

## باران خواهی

### ولی الله حاجیعلی<sup>۱</sup>

انسان‌ها هرگاه در تنگنا قرار می‌گیرند، دست نیاز به سوی خالق خود دراز می‌کنند و از او کمک و یاری می‌خواهند. یکی از این سختی‌ها، خشکسالی و کم‌بارانی است. باران، رحمت الهی است و برای کشاورزان و دامداران ارزش حیاتی دارد، از این رو آب نزد ایشان از جمله نعمت‌های قابل احترام خداوند است.



۱. آقای ولی‌الله حاجیعلی فرهنگیار کوشا و خستگی‌ناپذیر قودجان است. قودجان در گذشته روستای کوچکی نزدیک خوانسار بوده و امروزه بخشی از خوانسار است. ایشان از جوانی و از سال ۱۳۴۹ همکاری خود را با برنامه «فرهنگ مردم» مرحوم انجوی شیرازی شروع کردند و این همکاری ارزشمند تاکنون ادامه دارد. حاجیعلی همچون دیگر فرهنگیاران کوشا، برای گردآوری و ضبط و ثبت هر موضوع، علاوه بر ثبت اطلاعات و دیده‌های شخصی و تحقیقات میدانی، با دقت و ریزبینی خاصی پای صحبت‌های سالخوردگان و افراد مطلع می‌نشیند. نتیجه چندین دهه تلاش و فعالیت فرهنگی وی، گردآوری بسیاری از آداب و رسوم و فرهنگ مردم قودجان خوانسار است. این مقاله را خانم شایسته بهرامی سامانی کارشناس ارشد مدیریت دولتی و مسئول فرهنگیاری واحد فرهنگ مردم، تهیه و تنظیم کرده‌اند.

بسیاری از استان‌های کشور ما در مناطق خشک یا کم‌آب واقع شده‌اند و زندگی و معیشت کشاورزان و کوچندگان به نزولات آسمانی بستگی دارد و کم‌بارشی و خشکسالی خسارات فراوانی به آنان وارد می‌سازد. سال‌هایی که بارش باران با تأخیر صورت گیرد یا خشکسالی باشد و کشاورزان نتوانند به موقع کشت نمایند، برای طلب باران مراسم خاصی برگزار می‌کنند که در گوشه کنار میهن ما اسامی خاصی دارد. در استان اصفهان و در قودجان خوانسار، برای طلب باران، آتش نذری امام حسین علیه‌السلام را می‌پزند، نماز باران می‌خوانند.

### - پختن آتش

یکی از آیین‌های باران‌خواهی، پختن آتش و تقسیم آن میان اهالی یا مستمندان است. در پاییز و بهار اگر بارش‌های آسمانی کم می‌شد، اهالی نگران اما امیدوار دست به کار می‌شدند و از پشت بام مسجد اعلام می‌کردند که می‌خواهند برای طلب باران آتش نذری امام حسین علیه‌السلام درست کنند. زنان با شنیدن این خبر متناسب با توانایی خود، وسایل مورد نیاز آتش نذری را به مسجد می‌بردند. همه تلاش می‌کردند تا بهترین و مرغوب‌ترین مواد را در تهیه آتش، نذر و تقدیم کنند.

وقتی وسایل آتش مانند سبزی، نخود و لوبیا، آرد، روغن، پیاز، نمک و هیزم جمع می‌شد، آنها را در گوشه‌ای از مسجد می‌گذاشتند و برای پختن آتش برنامه‌ریزی می‌کردند.

صبح زود بعد از نماز، زنان قودجان با وضو روانه مسجد می‌شدند و بسم‌الله گویان و با ذکر صلوات مقدمات پخت آتش را فراهم می‌کردند؛ گروهی آردهایی را که روز قبل جمع شده بود، خمیر می‌کردند، گروهی حبوبات را روی آتش می‌گذاشتند تا بپزد، چند نفر هم دست به کار شستن و خرد کردن پیازها می‌شدند تا پیاز داغ را درست کنند. خمیر که آماده می‌شد، آنان که در بریدن رشته‌ها تبحر داشتند، چاقو در دست می‌گرفتند و زیر دست خود تخته مخصوص می‌گذاشتند یا یک سینی بزرگ را برعکس می‌گذاشتند و رشته را پشت سینی می‌بریدند. سپس دیگ‌های بزرگ پر از آب روی

## باران خواهی ❖ ۱۶۹

اجاق‌ها گذاشته می‌شد. از این لحظه به بعد، لحظه‌ای صدای صلوات‌ها قطع نمی‌شد و این نوای زیبا مرتب در فضا می‌پیچید. هر کدام از وسایل آتش را که به دیگ می‌ریختند، دعایی می‌خواندند، هر یک از زنان به نوبت سر دیگ‌ها می‌رفتند و آتش را هم می‌زدند و دعا می‌خواندند. وقتی آتش پخته می‌شد، سطل‌های کوچک و بزرگ آماده می‌شد تا آتش نذری بین همه اهالی تقسیم و به در خانه‌ها برده شود. قبل از تقسیم، پای دیگ روضه می‌خواندند و برای بارش باران دعا می‌کردند، سپس آتش را تقسیم می‌کردند.

### - نماز باران

در فصل پاییز که بارش باران کم بود یا در فصل بهار که چوپانان آبادی گله‌های گوسفند را به صحرا می‌بردند، هرگاه علف‌ها کم بود و گوسفندان سیر نمی‌شدند، به مردم آبادی اطلاع می‌دادند که به دلیل بارش کم در پاییز و زمستان سال گذشته، در صحراهای بیرون آبادی علف کافی برای گوسفندان وجود ندارد. مردم با شنیدن این خبر نزد پیشنماز مسجد آبادی می‌رفتند و از او می‌خواستند تا روزی را برای نماز باران تعیین و همه را برای تدارک آن روز دعوت کند. همه مردم در کنار پیشنماز در روز مشخص با پای برهنه و با حالت گرسنگی به بیرون آبادی می‌رفتند و در راه با دلی شکسته و با تواضع دعا می‌خواندند و در صحرا در محلی زیر آسمان جمع می‌شدند. همه مردم اعم از زن و مرد، پیر و جوان، طفل و نوزاد در این نماز شرکت می‌کردند. مردم چهارپایان را هم با خود به آنجا می‌بردند. در آنجا بچه‌ها را از مادران جدا می‌کردند، حتی در گله‌ها بره‌ها و بزغاله‌ها را از مادرانشان جدا می‌کردند تا این جدایی باعث گریه و بی‌تابی شود. صدای گریه و ضجه مادران و بزرگ‌ترها و بچه‌ها که به اوج می‌رسید، دعا می‌کردند که خداوند باران رحمت خود را بر ما نازل بفرما.



### تصویر ۱: مردم و پیشنماز برای خواندن نماز به بیرون آبادی می‌روند

سپس پیشنماز عمامه خود را از سر بر می‌داشت و عبای خود را وارونه بر دوش می‌افکند و همه مردم کلاه‌های خود را بر روی زمین می‌گذاشتند و نماز را برپا می‌داشتند.



### تصویر ۲: خواندن نماز

نماز باران مثل نماز عید، دو رکعت است و رکعت اول، پنج قنوت و رکعت دوم چهار قنوت دارد. پیشنماز در قنوت‌ها از خداوند، طلب باران می‌کرد و قبل از هر دعا و

## باران خواهی ❖ ۱۷۱

بعد از آن بر پیامبر و آل او صلوات می‌فرستاد. وقتی نماز به پایان می‌رسید، پیشنهاد رو به مردم می‌ایستاد و با صدای بلند، «الله اکبر»، «سبحان الله»، «لااله الا الله» می‌گفت و مردم نیز تکرار می‌کردند. سپس همه دست به دعا برمی‌داشتند و گریان و نالان به درگاه خداوند بسیار التماس و دعا می‌کردند. در پایان، پیشنهاد خطبه‌ای می‌خواند و از خداوند، طلب باران می‌کرد. پس از نماز و دعا همه به خانه‌های خود باز می‌گشتند و همان شب یا فردای آن روز خداوند با باران همه جا را سیراب می‌کرد.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی